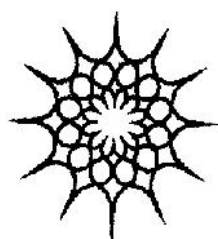


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
گروه ادبیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه

تطبیق آرایه‌های ادبی ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه

استاد راهنما

دکتر سید حمید طیبیان

استاد مشاور

دکتر ابوالقاسم رادفر

پژوهشگر

انسیه جهان تیغ

شهریور ۱۳۸۸

تقدیم به:

همسرم

و

با آرزوی سلامتی

و

سرافرازی روزافزون

برای او

چکیده

تطبیق و مقایسه آثار ادبی و زبانی یکی از حوزه‌های مهم تحقیقاتی محسوب می‌شود که به بررسی روابط ادبی ملت‌های مختلف و میزان تأثیر و تأثر میان آنها می‌پردازد. از آنجا که علوم بلاغت در فارسی، تحت تأثیر علوم بلاغت عربی است لازم است میان بلاغت فارسی و عربی مقایسه صورت گیرد تا معلوم شود که دو زبان چه تشابهات و اختلافاتی در زمینه‌ی علوم بلاغی دارند و تأثیرپذیری آنها از کلام الهی چگونه است. در این رساله سعی بر آن است تا با مقایسه‌ی یک کتاب از بلاغت فارسی (ترجمان البلاغه) و یک کتاب از بلاغت عربی (البلاغه الواضحه) نشان داده شود که:

الف - ذوق سلیم در روند تاریخ علوم بلاغی در این دو زبان، چه چیزهایی را به حوزه‌ی علوم بلاغی افزوده و چه چیزهایی را به فراموشی سپرده است.

ب - در روند بررسی علوم بلاغی از آغاز تا امروز چه تغییراتی در تعاریفات نویسندگان حاصل شده و نقاط ضعف و قوت آثار بلاغی در کجاست.

ج - دیدگاه‌های نویسندگان عرب و فارسی زبان در حوزه‌ی علوم بلاغی و نتایجی که آنها از بررسی‌های خود به دست آورده‌اند معلوم گردد.

امید است این بررسی انگیزه‌ای برای کسانی باشد که به تحقیق در حوزه‌های تطبیق گرایش دارند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱۱	فصل اول: بررسی و تطبیق آرایه‌های ادبی مشترک در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
۱۲	بخش اول: بررسی و تطبیق جناس در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
۱۲	بررسی جناس در ترجمان
۱۲	ترصیع و جناس
۱۳	جناس مطلق
۱۴	جناس مردّد
۱۵	جناس زاید
۱۷	جناس قلب
۱۸	قلب مجنّح
۱۹	جناس مقتضب
۲۱	جناس مضارع
۲۲	بررسی جناس در البلاغه
۲۳	تطبیق و مقایسه‌ی جناس در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
۲۵	بخش دوم: بررسی و مقایسه‌ی طباق در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
۲۵	بررسی طباق در ترجمان
۲۷	بررسی متضاد در ترجمان
۲۸	بررسی طباق در البلاغه
۲۹	تطبیق و مقایسه‌ی طباق در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
۳۱	بخش سوم: بررسی و تطبیق استعاره در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
۳۱	بررسی استعاره در ترجمان

۳۲ بررسی استعاره در البلاغه
۳۲ استعاره‌ی تصریحیه و استعاره‌ی مکنیه
۳۴ استعاره‌ی اصلیه و تبعیه
۳۵ ستعاره‌ی مرشحّه و مجردّه و مطلقه
۳۷ استعاره‌ی تمثیلیه
۳۸ بلاغت استعاره
۳۹ تطبیق و مقایسه‌ی استعاره در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
۴۱ بخش چهارم: بررسی و تطبیق تشبیه در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
۴۱ بررسی تشبیه در ترجمان
۴۳ تشبیه مکنی
۴۴ تشبیه مرجوعٌ عنه
۴۵ تشبیه شرطی
۴۶ تشبیه معکوس
۴۷ تشبیه مزدوج
۴۷ بررسی تشبیه در البلاغه
۴۸ اقسام تشبیه
۵۰ تشبیه تمثیل
۵۱ تشبیه ضمنی
۵۲ اغراض تشبیه
۵۴ تشبیه مقلوب
۵۵ بلاغت تشبیه
۵۶ مقایسه و تطبیق تشبیه در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
 بخش پنجم: بررسی و تطبیق تأکید المدح بما یشبه الذّم در ترجمان البلاغه و البلاغه
۵۷ الواضحه

۵۷ بررسی تأکید المدح... در ترجمان
۵۸ بررسی استدراک در ترجمان
۵۸ بررسی تأکید المدح... و عکسۀ درالبلاغه
۶۰ مقایسه و تطبیق تأکید المدح... در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
۶۱ بخش ششم: بررسی و تطبیق حسن تعلیل در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
۶۱ بررسی حسن تعلیل در ترجمان
۶۲ بررسی حسن تعلیل در البلاغه
۶۲ مقایسه و تطبیق حسن تعلیل در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
۶۳ بخش هفتم: بررسی و تطبیق کنایه در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
۶۳ بررسی کنایه در ترجمان
۶۳ بررسی کنایه در البلاغه
۶۵ بلاغت کنایه
۶۶ تطبیق و مقایسه‌ی کنایه در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
۶۷ بخش هشتم: بررسی و تطبیق سجع در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه
۶۷ بررسی سجع در ترجمان
۶۸ بررسی سجع در البلاغه
۶۹ تطبیق و مقایسه‌ی سجع در ترجمان و البلاغه
۷۰ فصل دوم: آرایه‌هایی که در کتاب ترجمان البلاغه آمده‌اند و در البلاغه الواضحه نیامده‌اند
۷۱ ترصیع
۷۱ مقلوب مستوی
۷۲ اعنات
۷۳ اعنات القرینه
۷۳ حسن مطالع

٧٣	حسن مخالص
٧٤	حسن مقاطع
٧٤	سياقه الاعداد
٧٥	اغراق فى الصفه
٧٥	جمع و تفريق و تقسيم
٧٥	جمع
٧٦	تفريق
٧٦	تقسيم
٧٧	جمع و تفريق
٧٨	جمع و تقسيم
٧٨	تفريق و تقسيم
٧٨	تنسيق الصفات
٧٩	مراعات النظير
٧٩	مدح موجّه
٧٩	تجاهل العارف
٨٠	التفات
٨٠	ارسال المثل
٨١	ارسال المثليين
٨١	تفسير خفى
٨١	تفسير ظاهر
٨٢	اعتراض الكلام فى الكلام قبل التمام
٨٢	الكلام المحتمل بالمعنيين الضدين
٨٣	تعجب
٨٣	عكس

۸۴	سؤال و جواب
۸۴	الغازو محاجاه
۸۴	تضمین
۸۵	مسمط
۸۵	موشح
۸۶	ملمع
۸۶	مجرد
۸۷	مقطع
۸۷	موصل
۸۸	مصحف
۸۸	مكرر
۸۹	مدور
۸۹	مربع
۹۰	ترجمه
۹۰	ترجمه الاخبار والامثال والحكمه
۹۰	تقريب الامثال بالاخبار
۹۱	معنى الآيات بالايات
۹۱	حسن سؤال وطلب محاوره
۹۲	كلام جامع موعظه وحكمه و شكوى
۹۲	تلاؤم
۹۳	متنافر
۹۴	مثالهای اضافی مربوط به مباحث این فصل
۱۰۳	فصل سوم: آرایه‌هایی که در کتاب البلاغه آمده‌اند و در کتاب ترجمان نیامده‌اند
۱۰۴	مجاز لغوی

۱۰۵ مجاز مرسل
۱۰۶ مجاز عقلی
۱۰۸ بلاغت مجاز مرسل و مجاز عقلی
۱۰۹ تقسیم کلام به خبر و انشاء
۱۰۹ خبر
۱۱۲ انواع خبر
۱۱۳ خروج خبر از مقتضای ظاهر
۱۱۴ انشاء طلبی و غیر طلبی
۱۱۶ انشاء طلبی
۱۱۹ استفهام و ادوات آن
۱۲۰ دیگر ادوات استفهام
۱۲۱ معانی استفهام
۱۲۳ تمنی
۱۲۴ ندا
۱۲۵ قصر
۱۲۶ قصر حقیقی و اضافی
۱۲۷ فصل و وصل
۱۲۷ مواضع فصل
۱۲۸ مواضع وصل
۱۲۹ ایجاز و اطناب و مساوات
۱۲۹ مساوات
۱۳۰ ایجاز
۱۳۱ اطناب
۱۳۴ اقتباس

۱۳۴	توریه
۱۳۵	مقابله
۱۳۵	اسلوب الحکیم
۱۳۷	مثال‌های اضافی مربوط به مباحث این فصل (علم بیان)
۱۴۰	مثال‌های اضافی ... (علم معانی)
۱۵۴	مثال‌های اضافی و ... (علم بدیع)
۱۵۵	مقایسه‌ی کلی دو کتاب و نتیجه‌گیری
۱۵۹	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

سپاس خدای را که به زبان، قدرت فصاحت و بلاغت داد و درود بر پیامبر خاتم، محمد مصطفی (ص) که کلام الهی بر جان پاکش نازل گشت.

مطالعه‌ی تطبیقی آثار شاعران و نویسندگان کشورها و ملیت‌های مختلف نتایج زیادی در بر دارد، از جمله آنکه داد و ستدهای فرهنگی و معنوی میان دو ملت را بررسی می‌کند و تأثیر و تأثر زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف را از یکدیگر نشان می‌دهد.

یکی از مباحثی که در حوزه‌ی تطبیق و مقایسه قابل بررسی و تحقیق است مباحث علوم بلاغی، آن هم میان دو زبان عربی و فارسی است.

علوم بلاغت عربی تحت تأثیر کلام الهی، قرآن از آغاز تا امروز به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته و بی‌گمان دانشمندان عرب در حوزه‌ی بلاغت عربی با الهام گرفتن از قرآن روز به روز بر گستره‌ی دانش‌های بلاغی افزودند. در راستای سیر تکاملی علوم بلاغت عربی، دانشمندان و نویسندگان فارسی زبان نیز با تأثیر از نویسندگان عرب زبان در حوزه‌ی بلاغت کارهای چشمگیری انجام داده‌اند.

در زمینه‌ی تطبیق در حوزه‌ی علوم بلاغی پژوهش‌های دیگری نیز صورت گرفته، اما آنچه در همه‌ی بررسی‌ها و پژوهش‌های انجام شده مشترک است نشان دادن تشابهات و اختلافات آثار بلاغی در تعریفات، کاربرد اصطلاحات، شاهد مثال‌ها و شیوه‌ی پرداخت مطالب و تغییرات ایجاد شده در روند این پژوهش‌هاست.

بررسی حاضر نیز با دنبال کردن اهداف ذکر شده صورت گرفته است؛ بنابراین لازم است قبل از هر چیز ابتدا درباره‌ی باغت و تاریخچه‌ی آن توضیحاتی داده شود.

مختصری درباره‌ی بلاغت و تاریخچه‌ی آن:

«در عبارات و کلمات گاه تفاوت‌هایی نهانی دیده می‌شود که نه تنها بر عامه‌ی مردم روشن نیست بلکه خواص و اهل اطلاع نیز گاه آن را درک نمی‌کنند».

(عبدالقاهر جرجانی)

«بلاغت» در لغت به معنی جوان شدن و به کمال رسیدن و به سر رسیدن زمان است و در اصطلاح بلغاء عبارت است از ایراد کلام فصیح به مقتضای حال شنونده.

(نصیری: ۱۳۷۲: ۲-۳)

بلاغت را از آن جهت بلاغت گفته اند که معنی و مقصود را در قلب شنونده نقش می کند و بلاغت صفت کلام است و بلیغ صفت متکلم.

(همان: ۸۱-۸۲)

جاحظ درباره ی بلاغت گوید:

«کسی را که خداوند عزوجل از کمک خود بهره ور ساخته و از محبت خود او را نصیبی داده معانی را برای او محبوب و مطلوب قرار می دهد، نظام لفظ را برایش روان و سلیس کرده زینت می دهد و مستمع را از دشواری و رنج تکلف می رهاند و خواننده ی کتاب را از علاج فهمیدن، راحت و آسوده می گرداند».

(همان: ۱۳۰-۱۳۱)

وقتی از علوم بلاغی سخن به میان می آید، مقصود سه علم معانی، بیان و بدیع است. **علم معانی:** علم به اصول و قواعدی است که با دانستن آن متکلم، سخن خود را به مقتضای حال و مقام بیان می کند و قسمتی از این تعریف در بلاغت کلام وجود دارد. مباحث علم معانی در هشت باب به ترتیب زیر می باشد:

۱. اسناد خبری
۲. احوال مسند الیه
۳. احوال مسند
۴. احوال متعلقات فعل
۵. قصر و حصر
۶. انشاء
۷. وصل و فصل
۸. ایجاز و اطناب و مساوات

علم بیان: علم به اصول و قواعدی است که گوینده یا نویسنده با شناختن آنها می‌تواند معنای واحدی را به صورت‌های گوناگون که از جهت درجه‌ی روشنی متفاوت است بیان کند و کسی که توانایی چنین کاری را داشته باشد و انجام آن برایش ملکه شده باشد بلیغ است. مباحث اصلی علم بیان چهار فنّ تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه است.

علم بدیع: دانشی است که در آن از صنایع الفاظ مانند: جناس، سجع، موازنه، طباق، مراعات النظیر و غیره که استعمال آنها پس از رعایت مقتضای حال و مقام و خالی بودن از تعقید معنوی، موجب رونق و زیبایی کلام می‌شود، بحث و گفتگو می‌کند.

(علوی مقدّم: ۱۳۷۲: ۳۰۷-۳۰۸)

هدف اصلی از علوم بلاغی در آغاز، اثبات اعجاز قرآن و آگاهی به رموز و اسرار فصاحت و بلاغت قرآن بوده، ولی بعدها که این علوم به صورت دانشی مشخص از سایر علوم تدوین یافت، هدفش بیشتر، شناخت کلام دانی از عالی و اجتناب از فساد ذوق و انحراف طبع شاعران و نویسندگان بوده است.

(همان)

علوم بلاغی^۱ از دیرباز میان اقوام و ملل مختلف به شیوه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته. اساس بلاغت از زمان ارسطو پی‌ریزی شده و ارسطو با تألیف کتاب‌های «فنّ شعر و خطابه» از عناصر این علم سخن گفته است.

منشاء علوم ادبی عرب، علم «روایه» است که با ذکر امثال و انساب و روایات و اشعار و لغات عرب همراه بوده است. از طرف دیگر تحقیق در دلایل اعجاز قرآن کریم و وجوه امتیازات ادبی آن در آغاز دوره‌ی بنی عباس مورد توجه مسلمان بود و بدین ترتیب در قرن دوم و سوم هجری در کتب ادبی عرب بحث‌هایی در این مسایل پدید آمد.

۱. برای اطلاع بیشتر از تاریخچه‌ی علوم بلاغی رجوع شود به تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، ج: ۱، ۱۲۲-۱۲۳ و

۱۲۸-۱۲۹؛ ج: ۲، ۳۲۳-۳۲۴؛ ج: ۳، ۲۹۲-۲۹۶؛ ج: ۴، ۱۱۶-۱۲۲؛ ج: ۵، ۲۹۸-۴۰۵ و ۴۱۴-۴۱۶.

دوره‌های مختلف علوم بلاغی:

۱. دوران پیدایش و نشأت علوم بلاغی: علوم بلاغی عرب از سخنان خطیبان و شاعران پیش از اسلام مایه گرفت. اینکه قرآن ادبا و بلغاء عرب و غیرعرب را به معارضه می‌طلبید، ما را به جستجوی مواد بلاغت در قرآن وا می‌دارد. در پیش از اسلام تعریفی از بلاغت و فصاحت نشده است.

در عصر اموی و اوایل دوران عباسی از بلاغت به طور اجمال تعاریفی به دست داده شده؛ ولی کتابی در مورد علوم بلاغی تألیف نشده است.

۲. مرحله‌ی نمو و پیشرفت علوم بلاغی: در دوران بنی امیه و دوران نخستین حکومت عباسی به علت شهرنشین شدن عرب، حیات فکری عرب توسعه می‌یابد و مباحث سیاسی، عقلی و عقیده‌ای ظهور می‌کند؛ مباحثی که به زیبایی الفاظ ارتباط می‌یابد فراوان می‌شود و علوم بلاغی نضج می‌گیرد؛ سخنوران ناگزیر می‌شوند برای پیروزی بر رقیبان و رسیدن به هدف خود، فن خطابت و قواعد آن را فراگیرند و در همین زمان، شعرا به دستگاه خلافت راه می‌یابند و شعر و شاعری رونق می‌گیرد. نحوین و لغویان نیز در پیشرفت علوم بلاغی و تعبیرات بیانی، خدماتی ارزنده انجام می‌دهند و از راه تشریح اشعار و تفسیر آیات قرآنی و بازگو کردن مطالب نحوی قرآن، مطالبی از علوم بلاغی را توضیح می‌دهند.

تا اواسط قرن سوم هجری، گروهی از علما با نوشتن کتاب‌هایی مباحث بلاغی را در ضمن موضوعات دیگر مورد بحث قرار می‌دهند؛ مثلاً ابو عبیده معمر بن المثنی کتاب «مجاز القرآن» را می‌نویسد که در ضمن آن برخی از مباحث بلاغی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

در همین قرن، جاحظ، کتاب «البیان و التّبیین» را می‌نویسد و برای اولین بار آراء پیشینیان را درباره‌ی علوم بلاغی در این کتاب بیان می‌کند و شاید مبالغه نباشد اگر جاحظ را مؤسس و مدون بلاغت عربی بدانیم.

در نیمه‌ی دوم قرن سوم هجری، دو اندیشه در علوم بلاغی به وجود می‌آید؛ عده‌ای معتقد می‌شوند که علوم بلاغی عرب را فقط باید با مقیاس‌های زبان عربی سنجید و هدفشان تدوین کتاب با توجه به لغت عربی بوده است و در برابر، عده‌ای در نظر داشتند که از افکار یونانیان و

ایرانیان و هندیان درباره‌ی علوم بلاغی آگاه شوند تا از طریق ترجمه بتوانند به قواعد بلاغی ملل غیر عرب پی برند و به همین دلیل از ترجمه‌ی کتاب فنّ الشّعر و خطابه‌ی ارسطو استفاده کردند.

می‌توان گفت، بخش سوم کتاب الخطابه‌ی ارسطو که شاید «اسحاق بن حنین» آن را به عربی برگردانده باشد، همان بحثی است که در عربی، بلاغت نامیده شده و انطباق آن با ادب یونانی و غیر یونانی امکان دارد و به همین دلیل، ترجمه‌ی این کتاب در بلاغت عربی تأثیری بسزا گذاشت و در نتیجه کتاب «نقد الشّعر» قدمه بن جعفر و «نقد النثر» ابن وهب تصنیف شد.

سرانجام ابن معتز کتاب «البدیع» را تصنیف می‌کند و بزرگترین فضیلت او این است که وی نخستین کسی است که مستقلاً در علم بدیع کتاب نوشته و باید او را پیشوای تمام کسانی دانست که در فنّون بدیعی کتاب نوشته اند.

۳. مرحله‌ی شکوفایی علوم بلاغی: قرن پنجم و ششم هجری، زمان شکفتگی علوم بلاغی است؛ قرن پنجم دوران عبدالقاهر جرجانی و دو کتاب معروف او یعنی «دلایل الاعجاز و اسرار البلاغه» است. بعد از جرجانی، زمخشری به شکوفایی علوم بلاغی کمک کرده و با توجه به کتاب‌های جرجانی، اعجاز قرآن را از راه بلاغت آن ثابت کرده است. زمخشری، نظرات عبدالقاهر را کامل کرد و اقسام گوناگون علوم بلاغی را با استشهاد از قرآن و شعر و نثر عربی تحلیل کرد.

۴. مرحله‌ی پژمردگی و جمود علوم بلاغی: متأسفانه کسانی که بعد از جرجانی و زمخشری ظهور کردند، گفته‌های پیشینیان را تلخیص کردند و یک سلسله کتاب‌هایی در زمینه‌ی علوم بلاغی نوشتند که نیاز به شرح داشتند و گاه اتفاق می‌افتاد که شرح، مشکل‌تر از اصل باشد و به حاشیه نیاز داشته باشد. کسانی چون فخر رازی، سکّاک، خطیب قزوینی و سعدالدین تفتازانی، سید شریف جرجانی و دیگران که بعد از آنها آمدند، نه تنها چیزی به علوم بلاغی نیفزودند، بلکه به شرح و تلخیص پرداختند و یک سلسله قواعد خشک را در آن کتاب‌ها گنجانند و علوم بلاغی را از هدف اصلی خود که با ذوق ارتباط دارد دور کردند و آن را به صورت علمی از علوم لغوی که از فلسفه و منطق نیز بحث کرده باشد، در آوردند.

(علوی مقدّم: ۱۳۷۲: ۳۱۲-۳۱۹)

در زبان فارسی، تحقیق در اصول بلاغت و بحث در کلام از حیث قوانین فصاحت و بلاغت بیشتر از اوایل قرن پنجم معمول شد. کتاب‌هایی که در زمینه‌ی علوم بلاغی به فارسی تألیف شده، نسبت به کتب عربی تألیف شده در این دانش اندک است و برخی از آنها عبارتند از: «زینت نامه» که عوفی در لباب‌الالباب آن را به ابومحمد عبدالله بن محمد رشیدی سمرقندی معاصر ملک‌شاه سلجوقی نسبت داده و کتاب «کنز الغرائب» تألیف منشوری سمرقندی، از شاعران دربار محمود غزنوی و «غایه العروضین» از ابوالحسن علی بهرامی سرخسی است که او نیز معاصر سلطان محمود غزنوی بوده، دیگر کتاب «کنز القافیه» که اثری از آن برجا نمانده است. کتاب ترجمان البلاغه تألیف محمد بن عمر الرادویانی (قرن پنجم هجری) از دیگر کتاب‌هایی است که در زمینه‌ی علوم بلاغی تألیف شد. بعد از آن «حدائق السحر فی دقایق الشعر» اثر رشیدالدین وطواط است که در سال‌های ۵۵۱-۵۵۲ ه.ق تألیف شد. بعد از آن «المعجم فی معاییر اشعار العجم» در اوایل قرن هفتم توسط شمس‌الدین محمد بن قیس رازی نوشته شد و در قرن هفتم «معیارالاشعار» نوشته‌ی خواجه نصیر توسی در عروض فارسی تألیف شد. «مدارج البلاغه» اثر رضاقلی خان هدایت در موضوعات علم بدیع نگاشته شد و بعدها کتاب‌های دیگری چون «معالم البلاغه» توسط استاد خلیل رجایی، «صناعات ادبی» توسط استاد همایی، «نقد معانی» توسط استاد غلامحسین آهنی و نیز کتاب‌های بسیار دیگری توسط دیگر نویسندگان نگاشته شد؛ اما متأسفانه فارسی نویسان، ابداع و ابتکاری در علوم بلاغی نکرده‌اند، بلکه مستقیماً تعاریف خود را از کتاب‌های معتبر اقتباس کرده‌اند و گاه شعری را به عنوان شاهد مثال ذکر کرده‌اند، ولی بسیاری از عربی نویسان کتب بلاغی در اصل ایرانی بوده‌اند.

(همان: ۳۱۹-۳۲۰)

از بررسی اجمالی در تحوّل و تطوّر کتاب‌های بلاغی معلوم می‌شود بیشتر این کتاب‌ها در مورد بلاغت عربی و به زبان عربی هستند بقیه نیز که به زبان فارسی تألیف شده‌اند به تقلید از کتاب‌های عربی و شیوه‌های خاص آنها بوده و بیشتر در مورد فن بدیع نگارش یافته‌اند و گاهی به تشبیه و استعاره و کنایه نیز به صورت گذرا پرداخته‌اند و از همه مهمتر اینکه مثال‌هایی هم که آورده‌اند بیشتر از مثال‌های عربی است و در این میان، فن معانی بیشتر مورد غفلت واقع شده

و هرگز کسی در اندیشه‌ی تطبیق اصول و قواعد آن با مثال‌های نظم و نثر فارسی نبوده است.

درباره‌ی ترجمان البلاغه:

نخستین کتاب موجود در علم بدیع که ضمناً حاوی مباحثی از معانی و بیان است کتاب ترجمان البلاغه در قرن پنجم هجری است. دولت‌شاه سمرقندی در «تذکره الشعراء» و حاجی خلیفه در «کشف الظنون» تألیف این کتاب را به فرّخی، ابوالحسن علی بن جولوغ سیستانی، شاعر دربار سلطان محمود غزنوی نسبت داده‌اند. رشیدالدین وطواط، کتاب «حدائق السحر» را چنانکه یاقوت حموی در «معجم الادباء» نوشته، به روش ترجمان البلاغه نگاشته و بیشتر شواهد کتاب خود را از آنجا برداشته است. اما نویسنده‌ی ترجمان البلاغه محمد بن عمر رادویانی است که آن را اوایل حکومت سلجوقیان که بازار علم و ادب در خراسان و ماوراءالنهر گرم بوده، در علم بدیع پرداخته و در آن از صنایعی که موجب آرایش کلام است سخن گفته. کتاب ترجمان البلاغه در نیمه‌ی قرن پنجم، پس از کشته شدن سلطان شهاب‌الدوله ابوسعید مسعود غزنوی و تسلط سلجوقیان بر خراسان تألیف شد. پروفیسور احمد آتش، کتاب ترجمان البلاغه را در میان مخطوطات پارسی کتابخانه‌ی جامع سلطان محمد دوم عثمان فاتح قسطنطنیه یافته و به طبع رسانید.

ترجمان البلاغه از شاهکارهای ادبی نثر فارسی است که در علم بدیع و صنایع کلام و دقایق شعر و جوهی که نظم و نثر را بدان آراسته می‌کنند، تألیف شده. این کتاب علاوه بر حسن شیوه و سلامت عبارت از لحاظ قدمت تاریخی اهمیتی بسزا دارد، زیرا محمد بن عمر رادویانی، ابیاتی را از بیشتر گویندگان روزگار سامانیان و آغاز دولت غزنویان و شاعران معاصر خویش شاهد مثال آورده که نام و شعر برخی از آنان در کتب دیگر نیست. به احتمال قوی شیوه‌ی موجود در ترجمان البلاغه نمی‌تواند تقلید از یک کتاب عربی یا فارسی باشد؛ زیرا رادویانی، خود از نقّادان سخن و آگاه به قواعد فصاحت و بلاغت بوده و به ادب و نظم و نثر فارسی و دری تسلط داشته است و فقط باب‌های کتابش را به ترتیب فصول «محاسن الکلام» اثر خواجه ابوالحسن نصر بن حسن مرغینانی نهاده است.

(قویم: ۱۳۳۹: ۵-۸)

درباره‌ی البلاغه الواضحه:

کتاب البلاغه الواضحه از کتب بلاغی است که به زبان عربی و با روشی علمی تدوین شده است. مؤلفان این کتاب *علی الجارم و مصطفی امین* هستند که آن را در سال ۱۹۶۹ میلادی، با روشی جدید و شیوه‌ای علمی و دور از مباحث طویل و خسته کننده نگاشته‌اند و شامل سه بخش کلی: علم بیان، علم معانی و علم بدیع است؛ اما در عین حال بعضی از مباحث ضروری در آن نیامده است.

در هر بخش از این کتاب به مباحثی پرداخته شده و مؤلفین ابتدا مثال‌هایی به دست داده و سپس به توضیح و شرح مثال‌ها پرداخته‌اند، آنگاه در پایان بحث، قواعد و تعریف مبحث مورد نظر را توضیح داده و سپس نمونه‌ها و تمرینات دیگری با توضیح و تفصیل در بعضی موارد به دست داده‌اند.

مراحل مطالعات انجام شده و شیوه‌ی تحقیق:

بیان مسأله‌ی تحقیق:

یکی از مباحث قابل بررسی در زمینه‌ی بلاغت، تطبیق کتاب‌های بلاغت فارسی و عربی است تا بدین طریق ذوق دو ملت ایرانی و عرب در سیر تکاملی بلاغت و میزان تأثیرپذیری بلاغت فارسی از بلاغت عربی معلوم گردد. موضوع تحقیق حاضر بررسی تطبیقی ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه است تا معلوم شود تشابهات و اختلافات دو کتاب و میزان تأثیرپذیری بلاغت فارسی از بلاغت عربی و همچنین تأثیر آنها از کلام الهی چگونه است.

بیان سؤالات اصلی تحقیق:

۱. شیوه‌ی بررسی مطالب بلاغی در زبان عربی و فارسی چگونه است؟
۲. سیر تحوّل و تکامل علوم بلاغی از آغاز تا امروز چگونه بوده است؟
۳. تشابهات و اختلافات بلاغت فارسی و عربی در چه حدّ است؟

۴. شیوه‌ی نگارش نویسندگان دو کتاب چگونه است؟

۵. بلاغت فارسی تا چه حد تحت تأثیر بلاغت عربی است؟

فرضیه‌ها:

۱. در زبان فارسی به پیروی از علوم بلاغت عربی، مباحثی در زمینه‌ی معانی، بیان و بدیع نگاشته شده است.

۲. کتاب ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه هر دو از کتاب‌های معتبر در علوم بلاغی هستند.

۳. بلاغت فارسی در راستای بلاغت عربی دچار تغییر و تحولات زیادی شده و به تکامل رسیده است.

هدف:

هدف از تطبیق دو کتاب ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه، روشن کردن زوایای علوم بلاغت در زبان فارسی و عربی و نیز وجوه اشتراک و افتراق در بین آنهاست.

روش بررسی مطالب در این پایان‌نامه:

باتوجه به مطالب و اهداف ذکر شده و نیز باتوجه به اینکه کتاب ترجمان البلاغه قدیمی‌تر از کتاب البلاغه الواضحه می‌باشد، این رساله شامل سه فصل به صورت زیر می‌باشد:

فصل اول - بررسی و تطبیق آرایه‌های ادبی مشترک در ترجمان البلاغه و البلاغه الواضحه: در این فصل ابتدا درباره‌ی هریک از آرایه‌های مشترک در دو کتاب توضیحاتی مختصر ذکر کرده‌ایم، سپس هر آرایه را ابتدا در کتاب ترجمان البلاغه و سپس در البلاغه الواضحه بررسی کرده‌ایم و توضیحات اضافی را در پاورقی آورده‌ایم، و در پایان هر مبحث به تطبیق و بررسی آرایه‌ها پرداخته و وجوه تشابه و اختلافات آنها را بیان کرده‌ایم.

فصل دوم - آرایه‌هایی که در کتاب ترجمان آمده‌اند و در البلاغه نیامده‌اند: در این فصل آرایه‌هایی را که در کتاب ترجمان البلاغه آمده‌اند ولی در کتاب البلاغه الواضحه نامی از آنها نیامده بررسی کرده‌ایم و مثال‌های اضافی را در پایان فصل در رابطه با هر مبحث ذکر کرده‌ایم.

فصل سوم - آرایه‌هایی که در کتاب البلاغه الواضحه آمده‌اند و در ترجمان البلاغه نیامده‌اند:

در این فصل آرایه‌هایی را که در کتاب البلاغه الواضحه آمده‌اند ولی در ترجمان البلاغه نیامده‌اند بررسی کرده‌ایم و مثال‌های اضافی مربوط به هر مبحث را در پایان آورده‌ایم. در پایان، مقایسه‌ی کلی دو کتاب و نتیجه‌گیری حاصل از تحقیق را آورده‌ایم و با توجه به مطالب ذکر شده در فصل‌های دو کتاب را به صورت کلی بررسی نموده و نتایج حاصل را ذکر کرده‌ایم.

امید است این پایان‌نامه به موفقیتی هر چند ناچیز در راستای هدف مقایسه و تطبیق در زمینه‌ی بلاغت دست یافته باشد. در پایان این بخش بر خود فرض می‌دانم از اساتید فاضل و گرانقدر جناب آقای دکتر سید حمید طیبیان و جناب آقای دکتر ابوالقاسم رادفر و نیز جناب آقای دکتر جعفر مقدّس که بنده را در پرداخت هرچه بهتر این رساله یاری دادند، کمال تشکر را بنمایم و از خداوند مهربان برای ایشان سلامتی و سربلندی روزافزون را خواهانم.

و من الله التوفیق

فصل اوّل

بررسی و تطبیق آرایه‌های ادبی مشترک در ترجمان البلاغه و

البلاغه الواضحه